

پرونده شماره ب-۵۴

شعبه يك

قرار اعدادی شماره ۱-ب ۵۴ - ۸۲ آی.تی.ال

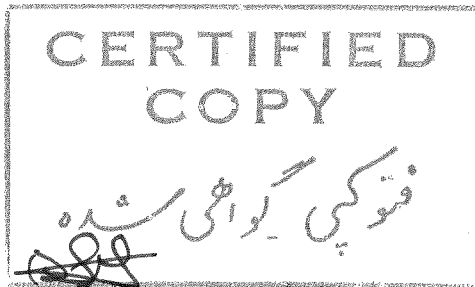
IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	3 0 MAR 1999
	تاریخ ۱۳۷۸ / ۱ / ۱۰

وزارت صنایع جمهوری اسلامی ایران،
خواهان،

و

ایالات متحده آمریکا،

خواننده.



قرار اعدادی

۱- در تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۲] وزارت صنایع جمهوری اسلامی ایران ("خواهان") دعوایی علیه دولت ایالات متحده آمریکا ("خواننده") ثبت و طی آن، خساراتی حداقل به مبلغ ۱,۹۲۰,۰۰۰/- دلار آمریکا، به علاوه بهره و هزینه ها، که حسب ادعا به علت امتناع خواننده از صدور پروانه های صادراتی پس از امضای بیانیه های الجزایر متحمل شده بود مطالبه کرد. خواهان دعوی خود را مشخصاً بر زیان های ناشی از نقض قراردادی استوار نموده که در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ [پنجم مه ۱۹۷۶] ("قرارداد سال ۱۳۵۵") منعقد شده بود و طرفین آن عبارتند از: وستینگهاوس الکترونیک اس. آ. ("وستینگهاوس اس. آ."), یک شرکت فرعی تماماً متعلق به وستینگهاوس الکترونیک کورپوریشن ("وستینگهاوس") که شرکتی است آمریکایی، و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ("سازمان گسترش") از طرف موتورن، که شرکتی است که تحت قوانین ایران در ایران تأسیس گردیده است.

۲- در تاریخ ۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۱ [۱۹ آوریل ۱۹۸۲]، خواننده "عرضحالی" ثبت و طی آن تقاضا کرد که دستوری در رد دعوا به علت فقد صلاحیت بر مبنای بند ۳ ماده ۲۱ آئین رسیدگی دیوان ("قواعد دیوان") صادر گردد. افزون بر این، خواننده وفق بند ۴ ماده ۲۱ قواعد دیوان از دیوان درخواست کرد که عرضحال را طرح یک مسأله مقدماتی تلقی نموده و ایالات متحده را ملزم به ثبت لایحه دفاعیه در قبال دعوایی نکند که به وضوح در صلاحیت دیوان نیست.

۳- در تاریخ ۱۲ خرداد ماه ۱۳۶۱ [سوم ژوئن ۱۹۸۲] دیوان از خواهان دعوت نمود که به عرضحال پاسخ دهد. در تاریخ هشتم مهر ماه ۱۳۶۱ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۲] خواهان پاسخ خود را به عرضحال مزبور تسلیم کرد. در پاسخ یاد شده، خواهان علاوه بر دولت ایالات متحده، وستینگهاوس را نیز خواننده تلقی و از هر دوی آنها مطالبه خسارت می‌کند.

۴- در تاریخ ۲۸ آبان ماه ۱۳۶۱ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۲] دیوان به خواهان دستور داد که جزئیات مربوط به مبالغ خسارات متحمل و تاریخ های ورود خسارات را ثبت نماید. به خواهان همچنین دستور داده شد که ادله و مدارک مؤید دادخواست خود از جمله

نسخه ای از (يك) قرارداد سال ۱۳۵۵؛ (دو) یادداشت تسلیمی وستینگهاوس طی مذاکرات ماه اکتبر ۱۹۸۱؛ و (سه) شکوائیه ای را که وستینگهاوس نزد دادگاه ناحیه ای ایالات متحده برای ناحیه جنوبی نیویورک ثبت نموده و خواهان در دادخواست خود بدان استناد کرده بود، تسلیم نماید.

۵- در تاریخ دهم مرداد ماه ۱۳۶۲ [اول اوت ۱۹۸۳] خواهان بعد از دو نوبت تمديد مهلت، ادله زیر را که دیوان درخواست کرده بود به ثبت رساند: (يك) صورتجلسه مورخ ۲۱-۲۰ مهر ماه ۱۳۶۰ [۱۳-۱۲ اکتبر ۱۹۸۱] همراه با دو یادداشت متبادله بین طرفین، که یکی از آنها حاوی رئوس هزینه های وستینگهاوس است؛ و (دو) نسخه ای از شکوائیه وستینگهاوس نزد دادگاه ناحیه ای در ناحیه جنوبی نیویورک. خواهان همچنین مدارك دیگری را که دیوان مشخصاً درخواست نکرده بود، راجع به رابطه قراردادی بین سازمان گسترش/موتوژن و وستینگهاوس ثبت کرد.

۶- در تاریخ دهم آبان ماه ۱۳۶۳ [اول نوامبر ۱۹۸۴]، خواهان بقیه مدارك مورد درخواست دیوان، یعنی قرارداد سال ۱۳۵۵ و مدارك مربوط به سفارشات خرید کالاهایی را که هیچگاه دریافت نکرده بود ثبت نمود.

۷- در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۱۳۶۶ [۱۲ ژوئن ۱۹۸۷] دیوان از طرفین دعوت نمود که هرگونه لوایح و مدارکی را که قصد دارند در پرونده حاضر مورد استناد قرار دهند تسلیم کنند و اعلام نمود که چنانچه هر يك از طرفین درخواستی جهت برگزاری جلسه استماع ننماید، "دیوان بر اساس مدارك تسلیمی راجع به این پرونده تصمیم خواهد گرفت."

۸- در تاریخ ۱۹ شهریور ماه ۱۳۶۶ [دهم سپتامبر ۱۹۸۷] خواننده مدرکی تحت عنوان "اظهاریه تأییدی عرضحال ایالات متحده برای صدور دستور رد دعاوی بعلت فقدان صلاحیت دآوری" به ثبت رساند که در آن، خواننده درخواست خود را برای رد دعوا تجدید نمود.

۹- در تاریخ ۱۹ شهریور ماه ۱۳۶۶ [دهم سپتامبر ۱۹۸۷] خواهان نامه ای ثبت و طی آن از دیوان درخواست کرد که راجع به دستور مورخ ۲۲ خرداد ماه ۱۳۶۶ [۱۲ ژوئن

۱۹۸۷] توضیح دهد که آیا قصد دارد درباره صلاحیت خود به عنوان يك مسأله مقدماتی رأی صادر کند یا اینکه درباره ماهیت دعوی نیز تصمیم خواهد گرفت. در تاریخ ۱۳ مهر ماه ۱۳۶۶ [پنجم اکتبر ۱۹۸۷] دیوان طی دستوری به نامه مزبور پاسخ داد، و در آن از جمله مقرر داشت که:

در صورتی که هر يك از طرفین تا دهم دسامبر ۱۹۸۷ [۱۹ آذر ماه ۱۳۶۶] درخواستی برای استماع شفاهی درباره موضوعات صلاحیتی پرونده به ثبت نرساند، دیوان قصد دارد در مورد موضوعات مزبور بر اساس مدارك تسلیمی تصمیم گیرد. چنانچه دیوان خود را صالح تشخیص دهد، دستورهایی درباره ادامه رسیدگی صادر خواهد کرد.

۱۰- بعد از چهار نوبت تمدید مهلت، در تاریخ اول آذر ماه ۱۳۶۷ [۲۲ نوامبر ۱۹۸۸] برای آخرین مرتبه به خواهان مهلت داده شد که تا تاریخ ششم دی ماه ۱۳۶۷ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۸] هرگونه مدارك و لوایح دیگر را درباره صلاحیت دیوان تسلیم نماید.

۱۱- در دستور مورخ اول آذر ماه ۱۳۶۷ [۲۲ نوامبر ۱۹۸۸] همچنین اشعار گردید که دیوان در نظر دارد بر اساس مدارك تسلیمی راجع به صلاحیت خود تصمیم گیرد، مگر آنکه خواهان تا تاریخ ششم دی ماه ۱۳۶۷ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۸] درخواست تشکیل جلسه استماع نماید. خواهان پاسخی به دستور مزبور ثبت ننمود و از آنجا که هیچیک از طرفین درخواست تشکیل جلسه استماع نکرده است، دیوان درباره موضوع صلاحیت نسبت به پرونده حاضر بر اساس مدارك تسلیمی تصمیم می‌گیرد.

دو - واقعیات و اظهارات

دو - ۱ - استدلالات خواهان

۱۲- خواهان دعوی خود را بر مبنای زیانهای وارده در اثر نقض قرارداد سال ۱۳۵۵ استوار ساخته است. موضوع آن قرارداد، عبارت بود از فروش قطعات الکترو موتور توسط وستینگهاوس اس.آ. به سازمان گسترش، جهت استفاده موتورزن. فروش قطعات طبق

قرارداد ادامه یافت تا آنکه ایالات متحده با اقدام اجرایی^۱ صدور کالاهای را به ایران بعد از ماه نوامبر ۱۹۷۹ ممنوع نمود. بنابراین خواهان اظهار می‌دارد که اگرچه وستینگهاوس اس.آ. همواره مایل و آماده بوده که به مفاد قرارداد سال ۱۳۵۵ عمل کند لیکن به علت تحریم تجاری توسط ایالات متحده و عدم صدور پروانه های صادراتی در مورد کالاهای مزبور بعد از انعقاد بیانیه های الجزایر از این کار ممنوع گردید.

- ۱۳- خواهان سه دسته خسارات را مشخص می‌کند:
- (یک) خسارات متحمل شده موتوژن و بالنتیجه توسط خواهان، به علت اجبار به تهیه کالاهای سفارشی از اشخاص ثالث به قیمت های گرانتر؛
- (دو) خسارات متحمل شده در نتیجه ادعاهای اشخاص ثالث از موتوژن؛
- (سه) خسارات وارده در نتیجه بلااستفاده ماندن کارگاه موتوژن طی مدت انتظار جهت دریافت قطعات یدکی، از جمله، ولی نه منحصرأ، شامل منافع فوت شده و هزینه های ثابت بابت منابع تولید عاطل.

- ۱۴- خواهان از دیوان تقاضا دارد که نسبت به این پرونده احراز صلاحیت کند و به مبانی متفاوتی استناد می‌کند که می‌توان بر اساس آنها احراز صلاحیت کرد. نخست، خواهان استدلال می‌کند که خواننده در مفهوم بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی^۲ بر وستینگهاوس اعمال کنترل نموده و لذا بابت نقض قرارداد سال ۱۳۵۵ مسئول است.

- ۱۵- از نظر خواهان، طبق بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل، "ایالات متحده" یعنی دولت ایالات متحده و یا هر نوع سازمان سیاسی فرعی ایالات متحده و هر نوع مؤسسه، واحد و تشکیلاتی که بوسیله دولت ایالات متحده و یا سازمان های فرعی سیاسی آن کنترل می‌شود. نوع و کیفیت "کنترل"ی که در این بند بیان شده کنترلی است ناشی از حق حاکمیت دولت، بخصوص که اعمال این کنترل را در همان بند از طریق سازمان های سیاسی دولت تعیین کرده است.

۱ دستور اجرایی شماره ۱۲۱۷۰، 44 Fed. Reg. 65279 (1979).

۲ بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل ادعاهای توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، چاپ شده در 9 Iran- U.S. C.T.R. 1.

۱۶- به نظر خواهان، این گونه کنترل که ناشی از حق حاکمیت دولت است با کنترل موصوف در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل، که موضوع آن اتباع و کنترل سهامداران یک شرکت است، تفاوت می‌کند. خواهان همچنین استدلال می‌کند که شرکت‌ها یا مؤسسات تجاری که دولت ایالات متحده بلحاظ منافع ملی و جهانی و نظرات سیاسی خود در معاملات خارجی آنها اعمال کنترل می‌نماید، مانند شرکت‌های چند ملیتی هستند که به خرید و فروش اسلحه، هواپیما و خدمات فنی و علمی و غیره اشتغال دارند.

۱۷- طبق اظهار خواهان، وستینگهاوس یک چنین شرکتی است، که معاملات خارجی آن بدون صوابدید دولت ایالات متحده انجام نمی‌گیرد. نتیجتاً چون این احتمال وجود دارد که خواننده بر موضوع این دعوا از بدو معامله تا ختم آن اعمال کنترل کرده باشد بنابراین نمی‌تواند مسئولیت خود را انکار کند و ملزم به جبران خسارات متحمل خواهان می‌باشد.

۱۸- ثانیاً، خواهان استدلال می‌کند که اصل کلی (ب) بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ("بیانیه عمومی")^۳ مبنای دیگری برای صلاحیت بدست می‌دهد. خواهان اظهار می‌دارد که هدف و منظور اصل کلی (ب) حل و فصل کلیه ادعاهای موجود بین دو دولت است.

۱۹- و بالاخره، خواهان استدلال می‌کند که خواننده به موجب اصل کلی (الف) بیانیه عمومی متعهد شده است که وضع مالی ایران را به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] بازگرداند. خواننده، برخلاف این تعهد، از بعد از تاریخ امضای بیانیه‌های الجزایر از صدور پروانه‌های صادراتی خودداری کرده است. بنابراین خواننده با قصور در فراهم کردن موجبات انتقال اموال مورد بحث، تعهدات خود را در بیانیه‌های الجزایر نقض کرده است. خواهان اظهار می‌دارد که، در نتیجه، خواننده را باید مسئول خساراتی دانست که خواهان متحمل شده است.

۲۰- خواهان در لایحه مورخ هشتم مهر ماه ۱۳۶۱ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۲] خود نه تنها دولت

^۳ مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، چاپ شده در 3 Iran- U.S. C.T.R. 1.

ایالات متحده بلکه وستینگهاوس را نیز به عنوان خواننده نام برده است. افزون بر این، خواهان اعلام کرده است که ایراد خواننده به صلاحیت در حقیقت دفاع از بدهکاری شرکت وستینگهاوس است و اقرار ضمنی محسوب می‌شود. طبق اظهار خواهان، این اقرار به این نتیجه گیری می‌انجامد که خواننده در خسارات خواهان دخالت و مسئولیت داشته است.

دو - ۲ - استدلالات خواننده

۲۱- خواننده به تصمیم دیوان در پرونده شماره الف-۲^۴ استناد و نتیجه گیری می‌کند که ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی به دیوان صلاحیت رسیدگی به سه دسته ادعا یا اختلاف را واگذار کرده است. بند ۱ ماده دو بیانیه به دیوان اجازه می‌دهد که پاره ای دعاوی اتباع يك دولت علیه دولت دیگر را رسیدگی نماید. بند ۲ [آن ماده] صلاحیت رسیدگی به "ادعاهای رسمی" يك دولت علیه دولت دیگر را که "ناشی از ترتیبات قراردادی فیما بین در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات" باشد به دیوان واگذار کرده است. بند ۳ [ماده مزبور] صلاحیت رسیدگی به اختلافات بین دو دولت "مربوط به تفسیر یا اجرای هر يك از موارد مندرج در [بیانیه عمومی]" را به دیوان داده است. بدینسان، طبق اظهار خواننده، این سه بند فهرست کامل موضوعاتی را تشکیل می‌دهد که دیوان نسبت به آنها صلاحیت رسیدگی دارد و هیچیک از سه بند شامل دعاوی حاضر نمی‌شود.^۵

۲۲- خواننده خاطر نشان می‌سازد که خواهان يك مؤسسه، واحد یا تشکیلات تحت کنترل دولت ایران می‌باشد و لذا "تبعه ایران" نیست تا به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل حق اقامه دعوا داشته باشد. خواننده همچنین اظهار می‌دارد که ادعا مسلماً در حیطه صلاحیت موضوع بند ۱ واقع نمی‌شود زیرا ایران صراحتاً از ادعاهای مزبور اعراض کرده است. در بند ۱۱ بیانیه عمومی ایالات متحده موافقت کرد که دعاوی خود را که

^۴ تصمیم صادره در پرونده شماره الف-۲، تصمیم شماره ۱- الف ۲ هیئت عمومی دیوان، مورخ ششم بهمن ماه ۱۳۶۰ [۲۶ ژانویه ۱۹۸۲]، چاپ شده در 1 Iran- U.S. C.T.R. 101.

^۵ خواننده می‌افزاید که: "دیوان همچنین طبق پاراگراف ۲ (ب) سند تعهدات دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] صلاحیت رسیدگی به دعاوی معینی را دارد،" لیکن آن صلاحیت ارتباطی با ادعای حاضر ندارد.

در آن زمان علیه ایران نزد دیوان دادگستری بین المللی مطرح بود پس بگیرد و از آن به بعد نیز از پیگیری و اقامه هرگونه دعوی حال یا آینده توسط ایالات متحده و یا اتباع ایالات متحده علیه ایران، ناشی از اشغال غیرقانونی سفارت ایالات متحده و دستگیری اعضای دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده جلوگیری و ممانعت به عمل آورد. خواننده استدلال می‌کند که در مقابل، ایران صراحتاً در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل موافقت کرد که صلاحیت دیوان شامل "ادعاهای ناشی از اقدامات ایالات متحده در قبال موارد مذکور در [بند ۱۱ بیانیه عمومی]" نخواهد شد. بدینسان، طبق اظهار خواننده، دعوا بطور قطع و یقین از اقدامات خواننده در قبال رفتار موصوف در بند ۱۱ بیانیه عمومی ناشی شده و لذا طبق نص صریح بند ۱ ماده دو خود بیانیه حل و فصل از صلاحیت دیوان مستثنی گردیده است.

۲۳- خواننده سپس خاطرنشان می‌سازد که صلاحیت دیوان تحت بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل، محدود است به ادعاهای مبتنی بر "ترتیبات قراردادی فیما بین [ایالات متحده و ایران] در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات." طبق اظهار خواننده، از آنجا که در دادخواست حتی وجود یک چنین ترتیبات قراردادی ادعا نشده است، بنابراین ادعایی را که مشمول بند ۲ باشد ایجاد نمی‌کند.

۲۴- خواننده اظهار می‌دارد که نه تنها طرف قرارداد سال ۱۳۵۵ نبوده، بلکه وستینگهاوس را در مفهوم بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل "کنترل" نمی‌کند. خواهان احتمالاً ادعا می‌کند که باید خواننده را بابت هرگونه نقض قرارداد سال ۱۳۵۵ مسئول شناخت، لیکن چنین ادعایی کاملاً بی‌پایه و غلط است. از نظر خواننده، رویه دیوان ثابت می‌کند که این مسأله که آیا بین ایالات متحده و وستینگهاوس یک رابطه نمایندگی یا کنترل وجود دارد یا خیر باید با استناد به قوانین ایالات متحده تعیین شود. در پرونده فورموسست تهران، اینک و دیگران، دیوان مقرر داشت که "دو شاخص عمده کنترل دولتی یک شرکت، عبارتند از هویت سهامداران و ترکیب و رفتار هیئت مدیره آن که می‌بایست توأماً مورد بررسی قرار گیرند."^۶ در مواردی که اتباع حقیقی صاحب سهام شرکتی هستند و در چنان سمتی، اختیار انتخاب هیئت مدیره را دارند، آن واحد تحت کنترل یا مدیریت دولت

^۶ فورموسست تهران اینک و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۱-۲۳۱/۳۷-۲۲۰ (متن فارسی) مورخ ۲۱ خرداد ماه ۱۳۶۵ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۶]، ص ۲۰، چاپ شده در 10 Iran- U.S. C.T.R. 229, 241-2.

محسوب نمی‌شود.^۷

۲۵- خواننده اظهار می‌دارد که، در نتیجه، طبق قوانین ایالات متحده، وستینگهاوس یک شرکت غیردولتی تبعه ایالات متحده است و در مفهوم بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل، چنانکه این دیوان تفسیر نموده، نمی‌گنجد. وستینگهاوس شرکتی است خصوصی که تحت قوانین ایالت پنسیلوانیا تشکیل شده و موجودیت دارد. وستینگهاوس اس. آ. یک شرکت غیردولتی تبعه سوئیس است. ایالات متحده اختیار عزل و نصب مدیران یا رؤسای مسئول مدیریت وستینگهاوس یا وستینگهاوس اس. آ. را ندارد. ایالات متحده همچنین صاحب هیچ سهمی در هیچیک از این دو شرکت نیست. وستینگهاوس و شرکت های فرعی آن خود را جزو مؤسسات دولت ایالات متحده نمی‌دانند.

۲۶- خواننده استدلال می‌کند که خواهان هیچ کوششی برای اثبات چنین کنترلی از طرف خواننده به عمل نیاورده است. خواهان همچنین وجود هیچ نوع ارتباطی را بین خواننده و وستینگهاوس یا هر یک از شرکت های فرعی آن، از جمله وستینگهاوس اس. آ. ثابت نکرده، بلکه صرفاً اظهار می‌دارد که خواننده وستینگهاوس را "کنترل می‌کند"، زیرا خواننده "منافع ملی و جهانی" دارد که موجب می‌شود بر "معاملات خارجی" شرکت هایی از قبیل وستینگهاوس اعمال کنترل نماید. خواننده از منظور خواهان مطمئن نیست، لیکن معتقد است که چنین ادعای کلی و نامحدودی باید به عنوان مبنای صلاحیت تحت بیانیه های الجزایر رد شود. در واقع، طبق اظهار خواننده، خواهان می‌کوشد که ایالات متحده را به عنوان خواننده جایگزین کند، زیرا از اقامه دعوا علیه وستینگهاوس اس. آ.، که با آن رابطه قراردادی داشته است، ممنوع می‌باشد.^۸

۲۷- به نظر خواننده، خواهان با اشاره به اصول کلی (الف) و (ب) بیانیه عمومی، ظاهراً

^۷ خواننده به پرونده امریکن هاوژینگ اینترنشنال، اینک و شرکت تعاونی مسکن افسران ژاندارمری کل کشور، و دیگران، حکم شماره ۲-۱۹۹-۱۱۷ (متن فارسی) مورخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [۶ آوریل ۱۹۸۴]، ص ۵، چاپ شده در Iran- U.S. C.T.R. 235, 238-9 استناد می‌کند.

^۸ خواننده ادعا می‌کند که: "اسناد تسلیم شده توسط ایران مشخص می‌سازد که وقتی نمایندگان سازمان نوسازی و موتورژن و وستینگهاوس بطوری که ادعا شده در تاریخ ۱۲ و ۱۳ اکتبر ۱۹۸۱ در اتریش اجتماع کردند تا دعاوی بین خود را مورد بررسی قرار دهند ایران همان ادعاهایی را برای دریافت غرامت علیه وستینگهاوس مطرح ساخت که اکنون در مقابل این دیوان مطرح ساخته است."

استدلال می‌کند که "ترتیبات قراردادی" برای احراز صلاحیت این دیوان تحت بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل ضروری نیست. در صورتی که دیوان استدلال خواهان را در خصوص اصول کلی (الف) و (ب) بپذیرد، این امر به منزله قبول آن خواهد بود که اصول مزبور به عنوان مبانی مستقل صلاحیتی مورد استناد قرار گیرند. خواننده استدلال می‌کند که دیوان این استدلال را در پرونده شماره الف-۲ رد کرد^۹ و می‌گوید تعهدات ایالات متحده تحت بند (الف) عبارت بود از آزاد کردن اموال ایران در ایالات متحده و لغو مجازات های تجاری که قانوناً، در واکنش نسبت به حمله به سفارت ایالات متحده در تهران، وضع شده بود. ایالات متحده با صدور دستورهای اجرایی شماره ۱۲۲۷۶ تا ۱۲۲۸۵ در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] این تعهد را کاملاً ایفا کرد. دستورهای اجرایی مزبور همزمان با بیانیه های الجزایر مورد مذاکره واقع شد و قبل از آنکه ایران بیانیه ها را امضاء کند متنی تقریباً مشابه دستورهای اجرایی مزبور در اختیارش قرار گرفت.^{۱۰} بنابراین، ایران از اقدامات دقیقی که ایالات متحده قصد داشت جهت "بازگرداندن وضعیت مالی ایران" به عمل آورد کاملاً آگاه بود و به طور ضمنی به آن اقدامات رضایت داد.

۲۸- افزون بر این، از نظر خواننده، خواهان اصل کلی (ب) را کاملاً اشتباه تفسیر کرده است. در آن اصل، ایالات متحده تعهدات مشخصی را بر عهده گرفت، بدین معنی که (۱) کلیه اقدامات حقوقی در دادگاه های ایالات متحده، متضمن دعاوی اشخاص و مؤسسات آمریکایی علیه ایران را، مختومه؛ (۲) کلیه قرارهای توقیف و احکام تحصیلی در آن دادگاه ها را لغو؛ (۳) کلیه دعاوی بعدی بر اساس چنین ادعاهایی را ممنوع؛ و (۴) موجبات ختم اینگونه دعاوی را از طریق داورى لازم الاجرا فراهم نماید. هدف کلیه این تعهدات ختم یا تعلیق پاره ای دعاوی یا اقدامات حقوقی علیه ایران توسط اتباع ایالات متحده بود. این اقدامات، از نظر خواننده، هیچ ارتباطی با دعاوی مطروح توسط

^۹ پانوش ۴، بالا. به علاوه، خواننده به احکام زیر استناد می‌کند: نیروی دریایی دولت جمهوری اسلامی ایران و جنرال داینامیکس کورپوریشن (پومونا دیویژن) و دیگران، حکم شماره ۱-۹۵۷-۲۹۹ مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷] ص ۴، 14 Iran-U.S. C.T.R. 251, 253؛ وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا و دیگران، حکم شماره ۱-۶۹ / ب-۲۴۷-۵۹، مورخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۵ [۱۵ اوت ۱۹۸۶] ص ۵-۶، چاپ شده در 12 Iran- U.S. C.T.R. 33, 35-36.

^{۱۰} خواننده به شهادتنامه رابرتس ب. اون، پیوست چهار لایحه دفاعیه ایالات متحده نسبت به ادعای شماره چهار (و)، پرونده شماره الف-۱۵ استناد می‌کند.

ایران علیه ایالات متحده نداشت و نمی‌توان آنها را چنان تفسیر کرد که نیاز به "ترتیبات قراردادی" را از جهت صلاحیت موضوع بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل منتفی سازد.

۲۹- سرانجام، خواننده خاطر نشان می‌کند که صلاحیت دیوان طبق بند ۳ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، اختلافات راجع به "تفسیر یا اجرای هر یک از موارد مندرج در آن بیانیه [بیانیه عمومی]" را شامل می‌شود. در دادخواست چنین اختلافی اظهار نشده است. در هر حال، ادعای مبتنی بر مجازات های اقتصادی که خواننده قبل از انعقاد بیانیه های مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] الجزایر علیه ایران وضع کرده بود، نمی‌تواند مبنای اختلافات در خصوص تفسیر یا اجرای آن بیانیه ها قرار گیرد. بنابراین صلاحیت رسیدگی به دعوا نمی‌تواند بر بند ۳ استوار گردد.

۳۰- خواننده نتیجه می‌گیرد که هیچ مبنایی برای این اظهار وجود ندارد که دیوان صلاحیت رسیدگی به دعوی خواهان را دارد. بنابراین خواننده، طبق بند ۳ ماده ۲۱ قواعد دیوان، از دیوان درخواست کرده است که دعوا را مردود شمارد.

سه - دلایل حکم

۳۱- صلاحیت دیوان در بندهای ۱ تا ۳ ماده دو و بند ۴ ماده شش بیانیه حل و فصل تصریح شده است. برای اینکه دیوان صلاحیت داشته باشد، دعوی حاضر باید مشمول مفاد یکی از بندهای فوق واقع شود. دیوان ادعاهای مطروح علیه وستینگهاوس و ایالات متحده را جداگانه بررسی می‌کند.

سه - ۱ - ادعاهای مطروح علیه وستینگهاوس

۳۲- دیوان ملاحظه می‌کند که خواهان در لایحه مورخ هشتم مهر ماه ۱۳۶۱ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۲] خود، علاوه بر دولت ایالات متحده، وستینگهاوس را خواننده قلمداد و از آن شرکت نیز مطالبه خسارت کرده است. با این وصف، در دادخواست تنها از دولت ایالات متحده به عنوان خواننده نام برده شده است.

۳۳- خواهان در هیچ مرحله ای از رسیدگی‌ها رسماً اجازه نخواست است که وستینگهاوس را به عنوان خواننده بیفزاید. خواهان همچنین توضیح نداده است که به چه علت وستینگهاوس را خواننده قلمداد می‌کند، علی‌الخصوص اینکه خواهان در دادخواست خود اظهار داشته است که: "شرکت وستینگهاوس همواره مایل و آماده بود که با ایران روابط تجاری داشته و کالاهای تولیدی وستینگهاوس را به ایران صادر نماید" و "نقض تعهدات وستینگهاوس طبق شرایط قرارداد مورخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ [پنجم مه ۱۹۷۶] تنها می‌تواند قابل انتساب به وضع تحریم تجاری ایالات متحده علیه ایران باشد."

۳۴- دیوان به مفاد ماده ۲۰ قواعد خود و نیز به بند ۴ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی استناد می‌نماید که در آن آمده است که "پس از يك سال از تاریخ نافذ شدن این بیانیه و یا شش ماه پس از تاریخ انتخاب رئیس هیئت داورى (هر کدام که دیرتر باشد) هیچ ادعایی در داورى قابل طرح نخواهد بود." دیوان در امتناع از ثبت ادعای وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران^{۱۱} اظهار داشت که:

این مسأله مطرح می‌شود که آیا خواهان حق دارد پس از انقضای مهلت ثبت دادخواست‌ها ادعای جدیدی را عنوان و از خواننده جدیدی نام ببرد. . . بنابراین، دیوان داورى نام بردن از دولت ایالات متحده به عنوان خواننده را در حکم اصلاحیه ای بر دادخواست که طبق ماده ۲۰ قواعد دیوان مجاز شناخته شده، محسوب نمی‌کند.

۳۵- بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که بعد از تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] که طبق مفاد بند ۴ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی و بند ۳ بخشنامه اداری شماره يك مورخ ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۰ [چهارم ژوئیه ۱۹۸۱] مهلت ثبت دعاوی نزد دیوان است، اقامه ادعای جدید با معرفی خواننده جدید مجاز نیست.

۱۱ امتناع از ثبت ادعای وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران، تصمیم شماره ۳۲-امتناع از ثبت-۲۴ مورخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳ [چهارم مه ۱۹۸۴]، ص ۳-۴، چاپ شده در 6 Iran- U.S. C.T.R. 27, 28. همچنین بنگرید به: امتناع از ثبت ادعای ریوند اینترنشنال (انگلستان) لیمیتد، تصمیم شماره ۱۸ دیوان عمومی، امتناع از ثبت ۲۱، چاپ شده در 1 Iran- U.S. C.T.R. 394, 395، که در آن دیوان اظهار داشت: "معرفی يك خواهان جدید به جای خواهان اصلی در حکم تسلیم يك دادخواست جدید بوده و نمی‌تواند صرفاً به عنوان اصلاحیه دادخواست موجود، که به موقع توسط دفتر ثبت دریافت گردیده، تلقی شود."

۳۶- علاوه بر این، حتی اگر قرار می‌بود که معرفی وستینگهاوس به عنوان خواننده در نتیجه ملاحظات شکلی مشروحه بالا غیرمجاز محسوب نشود، باز هم این امر به سایر دلایل صلاحیتی جایز نمی‌بود. مشخصاً، دیوان می‌پذیرد که خواهان در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل جزو تقسیمات فرعی سیاسی و تشکیلات دولت ایران است و سازمان گسترش نیز توسط دیوان در مفهوم همان شرط تحت کنترل دولت ایران تلقی شده است.^{۱۲} دیوان همچنین وستینگهاوس را تبعه ایالات متحده شناخته است.^{۱۳} هیئت عمومی دیوان در تصمیم خود در پرونده شماره الف-۱۴۲ اظهار داشت که دیوان صلاحیتی نسبت به دعاوی يك دولت علیه اتباع دولت دیگر ندارد. تصمیم مزبور در آراء بعدی مورد تأیید شعب دیوان واقع شده است، برای مثال: پرونده های نیروی دریایی دولت جمهوری اسلامی ایران و جنرال داینامیکس کورپورشن (پومونا دیویژن) و دیگران، حکم شماره ۱-۹۵۷-۲۹۹ و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا و دیگران، حکم شماره ۱-۶۹ب/ب ۵۹-۲۴۷. ^{۱۵} بنابراین، در پرونده حاضر دیوان باید نتیجه گیری نماید که نسبت به چنین ادعای مستقیمی که توسط جمهوری اسلامی ایران علیه يك تبعه ایالات متحده یعنی وستینگهاوس اقامه شده است، صلاحیت ندارد.

سه - ۲ - ادعاهای مطروح علیه دولت ایالات متحده

۳۷- دیوان اینک به بررسی بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل می‌پردازد. شرط مزبور صلاحیت

^{۱۲} بنگرید به: بکتل اینک و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۱-۱۸۱-۲۹۴ مورخ ۱۳ مورخ ۱۳ اسفند ماه ۱۳۶۵ [چهارم مارس ۱۹۸۷]، بند ۳۱، چاپ شده در 14 Iran- U.S. C.T.R. 149, 157. همچنین هارنیشفیگر کورپوریشن و وزارت راه و ترابری، حکم شماره ۲-۱۸۰-۱۴۴ (متن فارسی) مورخ ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۳ [۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴]، ص ص ۱۲-۱۳، چاپ شده در 7 Iran- U.S. C.T.R. 90,97-8.

^{۱۳} بنگرید به: وستینگهاوس الکتریک کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم جزئی مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین شماره ۲-۳۸۹-۱۷۷ مورخ ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ [دهم مه ۱۹۸۵]، چاپ شده در 8 Iran- U.S. C.T.R. 183. بحثی نیست که وستینگهاوس اس. آ. یک شرکت تابعه تماماً متعلق به وستینگهاوس و ضمناً شرکتی است خصوصی که در سوئیس تشکیل یافته است.

^{۱۴} بنگرید به: پانوش ۴، بالا.

^{۱۵} بنگرید به: پانوش ۹، بالا.

رسیدگی به دعاوی اتباع ایالات متحده علیه ایران و دعاوی اتباع ایران علیه ایالات متحده را به دیوان واگذار کرده است. چنانکه در بند ۳۶ بحث شد، نه خواهان "تبعه" ایران محسوب می‌شود و نه سازمان گسترش، زیرا هیچیک از آن دو شخص حقیقی یا شخص حقوقی نیست که، به شرح مقرر در بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل، معادل پنجاه درصد یا بیشتر از سرمایه آن در اختیار اشخاص حقیقی باشد. در نتیجه، ادعای وزارت صنایع نمی‌تواند از نوع "ادعاهای اتباع" به نحو موصوف در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل باشد، تا بتواند در مفهوم بند ۱ ماده دو بیانیه مزبور در حیطه صلاحیت دیوان قرار گیرد.

۳۸- بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل صلاحیت رسیدگی به "ادعاهای رسمی ایالات متحده و ایران علیه یکدیگر ناشی از ترتیبات قراردادی فیما بین در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات" را به دیوان واگذار کرده است. برای احراز شرایط بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل، حداقل لازم است خواهان مدعی وجود قراردادی بین خود و ایالات متحده شود. خواهان چنین کاری نکرده، در عوض، ادعای خود را بر مبنای مداخله ادعایی از ناحیه خواننده در اجرای یک "ترتیب قراردادی" بین ایران و یک شخص ثالث، یعنی وستینگهاوس اس. آ. "در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات" استوار ساخته است. بنابراین دعوا از "ترتیبات قراردادی" بین ایران و ایالات متحده در مفهوم بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل ناشی نمی‌شود مگر آنکه وستینگهاوس اس. آ. به نوعی مشمول تعریف "ایالات متحده" مندرج در بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل محسوب گردد.

۳۹- در واقع، خواهان در جوابیه خود، اظهاری کلی بدین شرح به عمل آورده است که "دولت ایالات متحده بر شرکت های چند ملیتی خود اعمال کنترل می‌کند و بنابراین مسئول اقدامات آنها می‌باشد." خواهان همچنین اظهار می‌دارد که "وستینگهاوس از شرکت های بزرگی است که معاملات خارجی آن بدون صوابدید دولت آمریکا انجام نمی‌گیرد." لیکن در تأیید این اظهار، چه در ارتباط با وستینگهاوس اس. آ. و چه در ارتباط با وستینگهاوس، هیچ واقعیتی ارائه نشده است. به علاوه، خواهان تعریف "کنترل" در بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل را به اختیار دولت در اعطا یا عدم اعطای پروانه های صادراتی پیوند داده است. این اختیار، که استفاده از آن منجر به زیان های مورد ادعا در دادخواست شده است، هیچ مشابهتی با نوع کنترل بر اشخاص

حقوقی ندارد که از نظر تعاریف صلاحیتی بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل لازم است. بدین لحاظ، دعوا در حیطه شمول صلاحیت دیوان در مفهوم بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل واقع نمی‌شود.

۴۰- دیوان طبق بند ۳ ماده دو بیانیه حل و فصل، صلاحیت دارد به اختلافات "مربوط به تفسیر یا اجرای هر یک از موارد مندرج" در بیانیه عمومی، به نحوی که در بندهای ۱۶-۱۷ آن تصریح گردیده، رسیدگی نماید. خواهان ادعا کرده است که ایالات متحده با امتناع از اعطای پروانه های صادراتی بدنبال امضای بیانیه های الجزایر، در بازگرداندن وضعیت مالی ایران به حالت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] قصور کرده است. لذا نظر خواهان این است که دعوا از تعهدات ایالات متحده در اصل کلی (الف) بیانیه عمومی ناشی می‌شود. علاوه بر این، خواهان به عنوان مبنای صلاحیت دیوان به اصل کلی (ب) بیانیه عمومی نیز استناد می‌نماید.

۴۱- دیوان معتقد است که پرونده شماره ب-۵۴ شبیه بخش دو-الف پرونده الف-۱۵ مطروح نزد هیئت عمومی دیوان است، گرچه بخشی از آن در سال ۱۹۹۲ مورد تصمیم واقع شده است. ۱۶ در بخش دو-الف پرونده مزبور ایران تقاضا کرد به ایالات متحده دستور داده شود که ترتیب انتقال کلیه اموال ایران را که بعد از انعقاد بیانیه های الجزایر هنوز منتقل نشده است به ایران بدهد و بابت کلیه خسارات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از تخلیفات ادعایی بعد از ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، یعنی، قصور در لغو یا اصلاح مقررات و دستورات انسداد قبلی به ایران غرامت پرداخت نماید. هیئت عمومی دیوان نظر داد که طبق بند ۱۷ بیانیه عمومی و بند ۳ ماده دو بیانیه حل و فصل، صلاحیت رسیدگی دارد، زیرا دعوی مطروح در بخش دو-الف مبتنی است بر تفسیر اصل کلی (الف) و تعهد طرفین نسبت به اجرای آن. ۱۷

۴۲- نظیر پرونده شماره الف-۱۵، طرفین در پرونده حاضر در خصوص این موضوع اختلاف

۱۶ جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا (پرونده شماره الف-۱۵، دو-الف و دو-ب)، حکم جزئی شماره ۵۲۹-الف ۱۵ هیئت عمومی، مورخ ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ [ششم مه ۱۹۹۲]، چاپ شده در 28 Iran- U.S. C.T.R. 112.

۱۷ همانجا، ص ۱۲۲، بند ۲۵.

نظر دارند که آیا دعوا بدلیل آنکه مرتبط با "اقدامات در قبال" رفتار موصوف در بند ۱۱ بیانیه عمومی است، از صلاحیت دیوان مستثنی می‌باشد یا خیر. دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که طرفین در خصوص تفسیر اصول کلی (الف) و (ب) تا آنجا که به موضوعات مطروح در پرونده حاضر مربوط می‌شود با یکدیگر اختلاف نظر دارند. طرفین همچنین راجع به تعهداتی که اصل کلی (الف) به عهده خواننده قرار می‌دهد نظرات مختلفی دارند. و بالاخره، طرفین در خصوص تفسیر بند ۹ بیانیه عمومی مواضع متفاوتی اتخاذ کرده اند.

۴۲- از آنجا که تنها هیئت عمومی دیوان صلاحیت رسیدگی به اختلافات یا مسایل موضوع بند ۳ ماده دو بیانیه حل و فصل را دارد، کلیه موضوعات مذکور در فوق باید توسط هیئت عمومی دیوان مورد تصمیم واقع شود.

۴۴- بنا به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

(الف) دعاوی وزارت صنایع جمهوری اسلامی ایران علیه وستینگهاوس الکتریک کورپوریشن به علت فقد صلاحیت رد می‌شود.

(ب) دعاوی وزارت صنایع جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا، تا آنجا که مبتنی بر بندهای ۱ و ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی است، به علت فقد صلاحیت رد می‌شود.

(ج) اختلاف حاضر مشمول بند ۱۷ بیانیه عمومی و بند ۳ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی است. بنابراین، پرونده حاضر تجدید طبقه بندی و تحت شماره الف-۳۲ تجدید شماره می‌شود و حسب دستور شماره ۱ مورخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ اکتبر ۱۹۸۱] ریاست دیوان و دستور اصلاحی شماره ۸ مورخ چهارم فروردین ماه ۱۳۶۱ [۲۴ مارس ۱۹۸۲] ریاست، شعبه یک در مورد پرونده حاضر از خود سلب صلاحیت نموده آن را به هیئت عمومی دیوان ارجاع می‌کند.

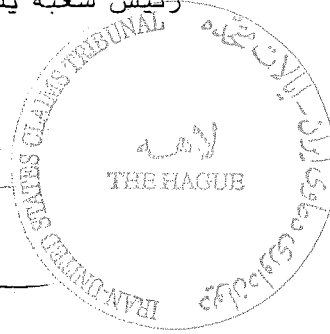
لاہہ، بہ تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۷۸ برابر با ۳۰ مارس ۱۹۹۹

Benjamin Bromberg

بنگت برومبس
رئیس شعبہ یک

بہ نام خدا

Asdullah Noori
اسدالله نوری



Charles T. Dennis

چارلز تی. دانکن